

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختار زاده
شهر - اِسْن - المان

خودکُش بیگانه خواه

تا که شدم باخبر ، دعوتِ ما میکند
از سرِ جور و جفا ، مهر و وفا میکند
غلغله در شهرِ دل ، نیست به جز وصلِ یار
زمزمه عاشقان ، حشر به پا میکند
مرغِ دل اندر قفس ، شوقِ پریدن کند
هیچ ندانم که کی ، شرم و حیا میکند
کرده فراموشِ من ، آن بتِ سیمین بدن
لیک ندانم چرا ؟ جور و جفا میکند
روز و شبم انتظار ، ناله کنان بیقرار
تا که تلفونِ ما ، زنگ و صدا میکند
روز گذشت هفته شد ، موی سرم شد سپید
خودکُش بیگانه خواه ، بین که چها میکند
پرده غیرت کشید ، بر سر و صورت ، دلم
حاضرِ خدمت شدم ، هرچه روا میکند
رسمِ ادب ، هرکسی ، کرد به محرابِ حسن
زلفِ چلیپای او ، کعبه دو تا میکند
گر شبِ تاریکِ ما ، از رخِ او ، روز شد

قبله رخسارِ او ، مرو و صفا میکند
زائرِ کویش اگر ، ذبح شود بار بار
هرچه ورا هست و بود ، جمله فدا میکند
« نعمت » بیچاره گر ، گشته فراموشِ او
شکوه به روزِ جزاء پیشِ خدا میکند